

## شناسایی چالش‌ها و مشکلات آموزش عالی کشاورزی با استفاده از نظریه‌ی مبنایی

فاطمه کریمی اعتماد<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان، ایران

جعفر یعقوبی

دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، ایران

عبدالحمید پاپ زن

دانشیار گروه ترویج، و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

### چکیده

نظام آموزش عالی کشاورزی و نهادهای شاکله آن با توجه به جایگاه حیاتی و محوری بخش کشاورزی در امنیت غذایی، ایجاد اشتغال، حفظ محیط زیست و توسعه روستایی، رسالت خطیری برای توسعه پایدار این بخش دارند. آموزش عالی کشاورزی همچون سایر بخش‌های آموزش عالی با مشکلات و موانعی روبه رو است. هدف پژوهش حاضر شناسایی چالش‌ها و مشکلات موجود در آموزش عالی کشاورزی بود. رویکرد این پژوهش، کیفی و به روش نظریه‌ی مبنایی یا داده بنیان می‌باشد، که در آن برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از مصاحبه‌ی نیمه ساختارمند با ۳۲ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی، فارغ‌التحصیلان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی در استان زنجان استفاده شده است. با تحلیل متن مصاحبه‌ها، طی کدگذاری باز تعداد ۳۳۵ گزاره مفهومی در ارتباط با هدف تحقیق استخراج شد. این مفاهیم، طی کدگذاری محوری، در قالب ۸۲ خرده مقوله و سپس طی کدگذاری انتخابی در ۷ مقوله‌ی کلی دسته‌بندی شدند. طبق این دسته‌بندی مهم‌ترین موانع و مشکلات آموزش عالی کشاورزی شامل موانع آموزشی-پژوهشی، موانع ساختاری، اقتصادی، فردی-مهارتی، فرهنگی-اجتماعی، اداری-سازمانی و زیربنایی می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** کشاورزی، آموزش عالی، اثربخشی آموزشی، برنامه ریزی آموزشی

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول : f.karimi313@znu.ac.ir

## مقدمه

نظام آموزش عالی نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور دارد (Fitriani & Muljono, 2019). کشورهای در حال توسعه نیز بر این باورند که پایه‌ی اصلی توسعه‌ی ملی، گسترش کمی و کیفی آموزش عالی است (سلیمی و موسوی، ۱۳۹۶). همچنین آموزش به طور گسترده‌ای به عنوان یک موضوع کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها مورد توجه قرار گرفته و است (Barro et al, 2013). تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد که کیفیت آموزش با درآمد و رشد اقتصادی و همچنین بازدهی‌های فردی بیشتر ارتباط قوی داشته و رابطه‌ی مستقیم بین کیفیت موسسه آموزشی دستاوردهای آن وجود دارد (Boccanfuso et al, 2015).

نظام‌های دانش کشاورزی نقش مرکزی در توسعه و انتشار دانش، اطلاعات و فناوری‌های مناسب برای بهبود امنیت غذایی جهان و پایداری محیطی ایفا می‌کنند. آموزش عالی کشاورزی یکی از مؤلفه‌های نظام دانش کشاورزی است (Acker, 2014). وجود نظام آموزش عالی کشاورزی کارآمد و با کیفیت، شرط مهم و حیاتی بلندمدت برای استفاده از منابع طبیعی مهم برای تولید محصولات کشاورزی است (موحدی و همکاران، ۱۳۹۶). پس از گسترش کمی آموزش عالی کشاورزی که در نتیجه فزونی تقاضا، صورت پذیرفته و نتیجه آن گسترش چشمگیر مراکز آموزش عالی کشاورزی در سراسر کشور و نیز برون‌داد آن حجم عظیمی از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی بوده است (شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۰) که بیش از نیمی از آن‌ها بیکار بوده و از سوی دیگر فقط ۷/۸ درصد از دانش‌آموختگان به صورت خوداشتغالی

مشغول به کارند و مابقی آن‌ها در دستگاه دولتی اشتغال دارند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۲). اکنون وقت آن فرا رسیده است که بُعد معطل مانده آموزش عالی کشاورزی یعنی کیفیت نیز مورد توجه قرار گیرد (شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۰). آموزش عالی کشاورزی یکی از حوزه‌های اصلی آموزش عالی به شمار می‌رود و از آن انتظار می‌رود نقش به‌سزایی در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی ایفا نماید. بی‌شک توسعه کشاورزی هر کشور وابسته به سیاست‌ها، برنامه‌ها و نظام آموزش کشاورزی و به تبع آن وابسته به دانش‌آموختگان متعهد و متخصص آن نظام است (بهرامی و زمانی، ۱۳۸۰). برای دستیابی به کیفیت در آموزش عالی، عوامل متعددی نظیر اعضای هیأت علمی، دانشجویان، مدیریت دانشگاهی، برنامه درسی (محتوا)، کارکنان، منابع مالی و فیزیکی، روش‌ها و فناوری‌های آموزشی، تولید و جریان اطلاعات و دانش و نظایر آن‌ها دخالت دارند (مهدی، ۱۳۹۳).

امروزه در جهان مبتنی بر اطلاعات و دانش، جهانی شدن ایجاب می‌کند که کشورها سریع به فناوری‌های تولید مجهز شوند، در غیر اینصورت قابلیت رقابت را از دست داده و قادر به استفاده از مزیت‌های نسبی ملی نخواهند بود. این فناوری‌ها به‌خصوص در بخش مواد غذایی و کشاورزی، نمی‌تواند به‌طور کامل از دیگر کشورها وارد شود؛ زیرا شرایط از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و نظام آموزش خاص هر کشور مورد نیاز است. بدین ترتیب کشاورزی رقابتی بین-المللی نمی‌تواند در منطقه بدون داشتن نظام آموزش با کیفیت توسعه یابد. بنابراین وجود نظام آموزش کشاورزی کارآمد و با کیفیت شرط مهم و حیاتی بلندمدت برای استفاده از منابع طبیعی مهم موجود برای تولید محصولات کشاورزی است (موحدی و

گسترش آموزش عالی، در کنار نبود نگاه مبتنی بر کیفیت در بین مدیران آموزشی به موضوع دامن زده است. این در حالی است که بنا بر تحقیقات انجام شده، چالش های آموزش عالی کشاورزی در بعد درونی و بیرونی از جمله کاهش تقاضا برای آموزش عالی کشاورزی یا کاهش حمایت های دولت، نوعی رهبری آینده نگر و تحول گرا را در این بخش ضرورت بخشیده است (Greiman, 2009). لذا می توان گفت نظام آموزش عالی و آموزش عالی کشاورزی چه در بعد درونی و چه بیرونی درگیر موانع و مشکلات عدیده ای می باشد.

تحقیقات پیشین نیز بیانگر این است که امروزه آموزش عالی کشاورزی با چالش ها و تنگناهای پرشماری در قالب مسائل درون (Bautista, 2016; Mojarradi & Karamidehkordi, 2016) و بیرون دانشگاهی (سازمانی) روبه روست (Yaghobi et al, 2011؛ عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹۵). موسسه های آموزش عالی کشاورزی عمده هدف های خود را در تربیت نیروهای متخصص آن هم بدون پیش بینی در زمینه نیازهای تخصصی آینده کشور خلاصه کرده اند (آقداود و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین بررسی های انجام شده در زمینه کیفیت آموزش عالی کشاورزی نشان دهنده وضعیت نه چندان مطلوب آن است، آموزش عالی کشاورزی در کشور فراگیران را برای سازگاری با شرایط متغیر و متحول آماده نمی کند (مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۸۵).

همچنین بخش کشاورزی از یک طرف بر اثر پیشرفت های علمی و فناوری، فشارهای اقتصادی گرایش به سمت بازار، رقابت در تولید و بهره وری دستخوش

همکاران، ۱۳۹۶) و بر ویژگی های شخصیتی، دانش و مهارت های تخصصی، ویژگی های ارتباطی و اجتماعی و ویژگی های اقتصادی دانش آموختگان رشته های کشاورزی در آموزش عالی کشاورزی تاثیر دارد (حجازی و مشهدی، ۱۳۸۶).

در سال های اخیر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و آموزش عالی کشاورزی به دلیل پیشرفت فناوری، افزایش هزینه ی آموزشی، رقابت جهانی و انتظار جامعه با چالش ها و بحران های زیادی روبرو بوده اند (سلیمانی و گیتی نما، ۱۳۸۹) و پاسخگویی نسبت به این موضوع که آیا هزینه های عمومی همراه با کیفیت و اثربخشی کافی هستند، از جمله در حوزه های آموزشی به طور عام و آموزش عالی و آموزش عالی کشاورزی بطور خاص، پیش از گذشته اهمیت یافته است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین نرخ بیکاری نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی از لحاظ کمی در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، رشد قابل توجهی داشته است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۹).

هرچند ماهیت مشکلات، مسائل و کیفیت آموزشی در کشورهای مختلف متفاوت است اما بخش اعظم مسائل آموزش متاثر از شرایط خاص اقتصادی-اجتماعی جوامع است (Heyneman, 2004). به تعبیر دیگر مسائل، مشکلات و کیفیت آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی از وضعیت و مشکلات اقتصادی-اجتماعی موجود جامعه مجزا نیست. این مسائل به نحو بارزی در مسائل پیش و پس از تحصیل دانشگاهی خود را نشان می دهند (Mojarradi & Karamidehkordi, 2016). رویکرد کمی گرا در

تغییر و تحولات روزافزون شده است و از طرف دیگر فرصت‌های استخدامی در بخش غیر کشاورزی با رشد بیشتری نسبت به بخش کشاورزی در حال افزایش است. همین امر باعث جذب و گرایش دانش‌آموختگان کشاورزی به بخش‌های غیر کشاورزی برای اشتغال می‌شود. علاوه بر این، بیکاری فزاینده (حدود ۲۵ تا ۵۲ درصدی) میان دانش‌آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی، کارایی بهینه آموزش عالی کشاورزی را مطلوب نشان نمی‌دهد (غیائی، ۱۳۹۴؛ کریمی و زمانی، ۱۳۹۴). در واقع، میزان پایین اشتغال فارغ‌التحصیلان یک پدیده جهانی است که بسیاری از دولت‌ها در تلاشند تا با افزایش کیفیت آموزش عالی به آن‌ها پاسخ دهند (Alibaygi et al, 2013; Lee & Chung, 2015). گرچه نظام آموزش عالی کشاورزی نقش اساسی در آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان متخصص دارد، اما در ایران این حقیقت تلخ وجود دارد که سیستم‌های آموزش عالی کشاورزی به جای تمرکز بیشتر بر روی جنبه‌های عملی و نظری به تمرکز بر روی نظریه پرداخته‌اند. این امر منجر به فارغ‌التحصیلی هزاران جوان تحصیل کرده و جویای کار در جامعه شده است. موفقیت‌های قابل توجهی در عرصه نیروی کار و استخدام فارغ‌التحصیلان ثبت نشده است (Noorossana et al, 2008; Shahbazi & Alibaygi, 2006). بنابراین، نظام آموزش عالی کشاورزی به خاطر غفلت از جنبه‌های عملی آموزش و پرورش مورد انتقاد قرار گرفته است. این در حالی است که نظام آموزش عالی کشاورزی و نهادهای شاکله آن با توجه به جایگاه حیاتی و محوری بخش کشاورزی در امنیت غذایی، ایجاد اشتغال، حفظ محیط‌زیست، توسعه روستایی و غیره، رسالت خطیری

برای توسعه پایدار این بخش دارند که خود با چالش‌های متعددی نظیر کمبود آب، فرسایش خاک و تخریب منابع طبیعی، ضایعات و بهره‌وری پایین بخش کشاورزی، نامساعد بودن فضا و نرخ کارآفرینی و کسب و کار در بخش کشاورزی و ... روبرو است. در چنین شرایطی، تداوم رویه‌های مرسوم ضمن افزودن به مسائل و مشکلات بخش کشاورزی (برای نمونه تربیت دانشجویان غیرکارآفرین و افزودن به خیل بیکاران این بخش)، سبب تشدید نقاط ضعف درونی دانشگاه‌ها و به مرور زمان ناکارآمد و بی‌کارکرد شدن دانشگاه و از دست دادن فلسفه وجودی و از دست دادن حمایت‌های عمومی آن می‌شود و از بهره‌گیری از فرصت‌های محتمل در شرایط جدید ناتوان می‌شود (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که مهم‌ترین مسائل و مشکلات نظام آموزش عالی کشاورزی که باعث ناکارآمدی روزافزون آن شده، کدامند؟

برادران و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «واکاوی چالش‌های موجود در نظام آموزش عالی استان خوزستان» بی‌اهمیتی و به نادان به ارزشیابی از کیفیت تدریس و فرم‌های ارزشیابی، ناکارآمدی برنامه درسی "به عنوان زمینه، عدم توجه و تأکید دانشگاه به اهمیت و نقش آموزش، عدم اجماع سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بر مبنای فلسفی خاص، عدم توجه به کارآفرینی به عنوان یکی از مأموریت‌های دانشگاه کشاورزی به عنوان شرایط مداخله‌گر" ترسیم شد. پژوهشی با «بررسی وضعیت موجود آموزش عالی کشاورزی استان خوزستان از منظر رویکرد فراشناختی» نشان داد که در مؤلفه‌های سرفصل درسی، مدیریت آموزش و دوره‌های آموزش ضمن خدمت، برنامه‌ریزی، ارزشیابی، محیط آموزشی و تدریس در سطح

آموزش کشاورزی بودند (حاجی‌هاشمی و موحدی، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش آهنگیان (۱۳۹۲) نشان داد مهم-ترین بازدارنده‌های کیفیت خدمات آموزشی شامل: عدم انعطاف در برنامه درسی، ساختار قطعی سلسله مراتبی و روند غیرمنعطف اداری، محدودیت‌های اجرایی مدیر و کمبود نیروی متخصص در برخی زمینه‌های شغلی می‌باشند. در پژوهشی در زمینه طراحی برنامه درسی، نتایج نشان داد که برنامه درسی با چالش‌هایی نظیر عدم شناسایی نیازهای واقعی دانشجوی و بازنگری برنامه درسی، پیش‌بینی نکردن امکان انعطاف در برنامه درسی، عدم پذیرش تغییر در فلسفه و مفاهیم زیربنایی، عدم بهره‌گیری از متخصصان حوزه برنامه درسی، تمایل به تمرکزگرایی در تدوین برنامه درسی، روبه‌رو است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش الهویسی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل نقاط قوت و ضعف بازدهی‌های علمی در نظام آموزش عالی کشاورزی» نشان داد، مواردی نظیر کمبود امکانات رفاهی، نداشتن صداقت مراکز بازدید در ارائه توضیح‌های لازم و ترس از نداشتن دسترسی به سرمایه کافی پس از بازدید برای آغاز کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی، از جمله نقاط ضعف بازدهی‌های علمی می‌باشند.

نتایج پژوهش (Idris, 2014) حاکی از آن است که گرایش مدیران به کاربرد روش‌های علمی در تصمیم‌گیری‌ها، مثبت است ولی مدران همچنان به روش‌های سنتی تکیه می‌کنند. اطلاعات به دست آمده نشان دادند که سطح دانش روش‌های علمی مدیران ضعیف است. در این پژوهش بر بهبود نهادهای مدیریتی در مورد استفاده از روش‌های علمی در تصمیم‌گیری‌ها با تمرکز

نامناسبی قرار دارد (تقی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۹). یافته‌های پژوهشی با عنوان «چالش‌های بخش خصوصی آموزش عالی ایران» نشان داد که عمده‌ترین چالش‌های بخش خصوصی نظام آموزش عالی شامل: چالش‌های قانونی، چالش‌های آموزشی، چالش‌های ناشی از ساختار اداری و سازمانی، تصمیمات و اقدامات وزارت علوم (افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو) بودند (رضائیان، ۱۳۹۹). نتایج پژوهشی با عنوان «مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در ایران» نشان داد که مهم‌ترین مسائل برون‌دانشگاهی عبارت است از: «وجود تعداد زیاد دانشگاه‌ها، مؤسسات، مراکز و واحدهای فاقد صلاحیت»، «کاهش کیفی ورودی‌های رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی» و «نبود آمایش آموزش کشاورزی». و همچنین مهم‌ترین مسائل درون-دانشگاهی عبارت است از: «کم بودن سهم واحدهای عملی/مهارت‌آموزی»، «کم‌توجهی به نحوه ارائه واحدهای عملی» و «سفارشی نبودن و یا کاربردی نبودن پایان‌نامه‌ها» (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی آموزش کشاورزی در دانشگاه پیام نور شهرستان شهرضا» انجام شد نتایج نشان داد که، عدم تناسب محتوا با رشته کشاورزی و نیاز دانشجویان، حجیم بودن محتوای دروس نسبت به سایر دانشگاه‌ها، عدم توجه به تدریس عملی و اجرای روش‌های متناسب با کار کشاورزی، یادگیری پایین دروس، محدود بودن امکانات یادگیری دروس کشاورزی و آزمایشگاه مجهز، عدم تناسب آزمون با نوع محتوای درس، عدم توجه به آزمون‌های مستمر و جامع نبودن بعضی آزمون‌ها مهم‌ترین چالش‌های

و کشاورزی، بحث در زمینه مسائل مرتبط با دانشکده-های کشاورزی اهمیت اساسی دارد. بررسی‌های مقدماتی گویای آن است که مشکلات و موانع مختلفی از ابتدای راه‌اندازی، مؤسسات آموزش عالی کشاورزی را در بر گرفته است. علی‌رغم این که نظام آموزش عالی، نقش اساسی در پیشرفت جامعه ایفا می‌کند اما در انجام مهم‌ترین وظیفه خود یعنی آموزش با مشکلاتی مواجه است. پرداختن به این مشکلات و شناسایی موانعی که به عنوان تهدیدی بر سر راه آن‌ها قرار گرفته، هدف اصلی این پژوهش به شمار می‌آید. بر این اساس می‌توان پرسش اصلی تحقیق را به شرح زیر مطرح نمود: عمده‌ترین چالش‌هایی که انجام فعالیت‌های عمده و اساسی نظام آموزشی را از جمله فرآیند تدریس-یادگیری، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی (که بر بهبود کیفیت نظام آموزشی تأثیرگذار هستند) در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشاورزی استان زنجان با مشکل مواجه کرده کدامند؟ لذا این تحقیق به دنبال چالش‌های اساسی کمی و کیفی نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشد.

اگر چه در حوزه آموزش عالی کشاورزی در کشور مطالعات پراکنده‌ای انجام شده است ولی با توجه به تحولات نسبتاً سریعی که طی پنج سال اخیر در کاهش کمی و کیفی ورودی‌های آموزش عالی کشاورزی از یک سو و نرخ بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان این بخش بوجود آمده است، مطالعه سیستمی و جامعی برای پاسخ به مسائل اخیر این بخش انجام نشده است. تحقیق حاضر با توجه به جدید بودن مسائل ذکر شده در چند سال اخیر ضروری است و نوآوری دارد. همچنین تحقیق حاضر به لحاظ روش‌شناسی نیز که از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی به صورت توانمند استفاده می‌کند در میان تحقیقات این حوزه نوآوری

بر آموزش مدیران برای به دست آوردن دانش بیشتر و آشنایی با مفاهیم مدیریت مدرن ویشرفته توصیه شده است. نتایج تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی آموزش کشاورزی در مراکز کار و دانش و فنّی و حرفه‌ای استان همدان نشان داد که نبود امکانات سخت‌افزاری و نرم-افزاری در مزرعه‌ها و آزمایشگاه‌ها مهم‌ترین نقطه ضعف و عدم دسترسی به امکانات کافی برای شروع یک فعالیت کشاورزی مهم‌ترین تهدید مراکز آموزش کشاورزی است (Saadi and Latifi, 2011). مطالعات انجام گرفته نشان داده‌اند که کیفیت آموزشگران و آموزش، تأمین بودجه زیرساخت‌ها، تجهیزات، پنانسیل آموزشگران، حمایت مدیریتی، مدیریت زمان، تصور و دید نسبت به آموزش کشاورزی، مشکلات رفت و آمد، عدم تطابق این نظام با تغییرات جهانی و عدم ارزشیابی مستمر و مناسب، عدم هماهنگی و تناسب بین برنامه‌های درسی و بازار کار از مشکلات مهم آموزش عالی کشاورزی می‌باشد (Abdellah, 2007; Rayj et al, 2006; Zaaree ) (and Zolali, 2006).

### اهداف تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهند که متأسفانه در ایران دانشگاه‌ها از نظر کیفی در سطح مطلوب و چندان شایان پذیرشی قرار ندارند. چالش‌ها و تنگناهای بسیاری در راه آن‌ها وجود دارد که منجر به پایین آمدن سطح کیفیت آن‌ها شده است. بهبود یک نظام آموزشی زمانی رخ می‌دهد که کژی و کاستی فعالیت‌های آن اصلاح شود. جهت برطرف کردن هرگونه نارسایی و کاستی در یک نظام، قدم اول تشخیص نارسایی و علل و عوامل آن است. با توجه به اهمیت آموزش عالی کشاورزی در ایران و تأثیر آن بر تمام ابعاد رشد و توسعه انسانی، اقتصادی

کدگذاری محوری ۳. کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. به طور خلاصه در کدگذاری باز<sup>۲</sup> به طبقه‌بندی کلمات و عبارات در داده‌های مصاحبه و برچسب زدن انتزاعی اشاره دارد و فرآیندی است که به وسیله آن محققان کدگذاری‌های مقدماتی را خوانده و به داده‌های مصاحبه اختصاص می‌دهند (Liu et al, 2019). مرحله دوم تجزیه و تحلیل در کدگذاری محوری<sup>۳</sup> است (Cao et al, 2019). هدف اصلی کدگذاری محوری کشف و ایجاد روابط بین مفاهیم و زیرمقوله‌ها و طبقه‌های اصلی است (Liu et al, 2019). کدگذاری انتخابی<sup>۴</sup> جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده بودند دوباره با هم ترکیب می‌شوند تا رابطه‌ی بین آن‌ها قابل درک شود و سپس مدل مربوط به آن ترسیم شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴). محیط انسانی پژوهش حاضر شامل: ۳۲ نفر از اعضای هیأت علمی، فارغ التحصیلان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی در استان زنجان بودند. به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان از نمونه‌گیری نظری به شیوه هدفمند استفاده شده است که شامل موارد بارز<sup>۵</sup> (مصاحبه با افراد باتجربه و شناخته شده) و گلوله‌برفی<sup>۶</sup> (مصاحبه با افراد معرفی شده از سوی سایر نمونه‌ها)، جهت رسیدن به اشباع نظری<sup>۷</sup> است. اعضای هیأت علمی که در زمینه‌های همسو با آموزش عالی کشاورزی از جمله زمینه‌های مدیریتی، تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دارای اطلاعات غنی بودند به صورت هدفمند انتخاب گردیدند و این کار تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری

دارد. زیرا اغلب مطالعات به خصوص در ایران با استفاده از روش‌های کمی به مطالعه وضعیت نظام آموزش عالی کشاورزی پرداخته‌اند. جنبه دیگر نوآوری تحقیق حاضر، بررسی مسائل و مشکلات آموزش عالی کشاورزی کشور با استفاده از نظرات همه صاحب‌نظران دانشگاهی، فارغ التحصیلان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی در استان زنجان با هم و یکپارچه می‌باشد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد و از بُعد روش از تئوری بنیانی بهره برده است. نظریه بنیانی روش و فرآیندی را برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام و ساخت نظریه‌ها ارائه می‌دهد. بر اساس این رویکرد، محققان به طور سیستماتیک داده‌های تجربی را تجزیه و تحلیل می‌کنند و بر اساس این تحلیل‌ها، مفاهیم و نظریه‌هایی را بنا می‌کنند (Liu et al; 2019). نظریه بنیانی یا نظریه داده‌بنیان از دیدگاه اشتراوس و کوربین<sup>۱</sup> یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکاء به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام کنند. در واقع رویکرد داده بنیاد، روشی برای کسب شناخت، پیرامون موضوع مورد مطالعه که پیش از این در مورد آن پژوهش جامع و عمده‌ای انجام نشده است (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۷). فن اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش کدگذاری است که طی فرآیند سه مرحله‌ای ۱. کدگذاری باز ۲.

<sup>5</sup> Typical Case Sampling

<sup>6</sup> Snowball sampling

<sup>7</sup> Theoretical Saturation

<sup>1</sup> Strauss and Corbin

<sup>2</sup> Open Coding

<sup>3</sup> Axial Coding

<sup>4</sup> Selective Coding

حاصل شد. همچنین مصاحبه با فارغ التحصیلان، کارآفرینان کشاورزی و مدیران جهاد کشاورزی نیز تا زمان اشباع داده‌ها، ادامه یافت. پس از تجزیه و تحلیل متون یادداشت شده در مصاحبه‌ها، به اشباع نظری دست یافته شد. فرآیند کار در نظریه بنیانی با مشخص کردن سؤال تحقیق آغاز گردید ( Namdar et al; 2018). سوال‌هایی در راستای اهداف تحقیق، تنظیم و قبل از اجرای مصاحبه و برای اطمینان از روایی یافته‌ها و میزان دقت، با استاد راهنما مورد بررسی قرار گرفت و سپس با برنامه‌ریزی انجام شده و تعیین وقت قبلی، این سوالات در مصاحبه‌های انفرادی با مشارکت-کنندگان مطرح و صحبت‌های آن‌ها، ضبط و یادداشت-برداری گردید.

#### یافته‌های پژوهش

با تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها طی فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری در نظریه مبنایی نتایج زیر حاصل شد.

**کدگذاری باز:** ابتدا به صورت خط به خط داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها شامل یادداشت‌ها، مشاهدات و موارد ضبط شده کدگذاری شده‌اند. به طور کلی، از

مصاحبه ۳۲ نفر از اعضای هیأت علمی، فارغ-التحصیلان و مدیران جهاد کشاورزی ۳۳۵ گزاره مفهومی در ارتباط با مشکلات آموزش عالی استخراج شد.

**کدگذاری محوری:** در مرحله‌ی کدگذاری محوری، مفاهیم استخراج شده در ۸۲ خرده‌مقوله دسته‌بندی شدند.

**کدگذاری انتخابی:** در نهایت ساختار یکپارچه‌ی یافته‌ها با توجه به قرابت مفهومی، طی سلسله مراتب کدگذاری در قالب گروه‌بندی شدند.

خلاصه‌ی نتایج فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری داده‌های حاصل از این پژوهش در شکل ۱ آورده شده است.



کدگذاری باز

۳۳۵ گزاره مفهومی



کدگذاری محوری

۸۲ گزاره مقوله‌ای (خرده مقوله)



کدگذاری انتخابی (۷ مقوله کلی)

| موانع اقتصادی | موانع آموزشی-پژوهشی | موانع فردی-مهارتی | موانع ساختاری | موانع اداری-مدیریتی | موانع زیربنایی | موانع فرهنگی-اجتماعی |
|---------------|---------------------|-------------------|---------------|---------------------|----------------|----------------------|
|               |                     |                   |               |                     |                |                      |

نتایج کدگذاری محوری در جدول ۱ آورده شده است. همانطور که در جدول ۱ مشخص شده است مهمترین مشکلات آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه پاسخگویان در ۸۲ مقوله دسته بندی شده است.

جدول ۱: مفاهیم و مقولات استخراج شده در کدگذاری محوری

| ردیف | کدگذاری محوری   |
|------|---|
| ۱    | نرخ پذیرش بالا و عدم تناسب جنسیتی بر حسب ظرفیت بازار                                      |
| ۲    | عدم انطباق محتوای آموزشی با نیازهای جامعه و بازار   |
| ۳    | عدم شناخت و ناامیدی دانشجویان ورودی به رشته های کشاورزی                                   |
| ۴    | مهاجرت اساتید و نخبگان دانشگاهی به دلیل شرایط نامناسب معیشتی                              |
| ۵    | شیوه آموزشی یکسان و یکنواخت دانشگاه برای همه رشته ها و عدم لحاظ الزامات رشته های کشاورزی  |
| ۶    | محور نبودن آموزشهای عملی در دانشگاه   |
| ۷    | برگزاری دروس عملی به شکل رفع تکلیفی   |
| ۸    | یکنواختی و محور بودن روش سخنرانی در تدریس   |
| ۹    | ضعف زیرساخت نرم افزاری و تجهیزات آموزشی در دانشگاه ها                                     |
| ۱۰   | بها ندادن به نیازسنجی در طراحی آموزشی و پژوهشی  |
| ۱۱   | ممانعت آیین نامه ارتقا اساتید از گرایش اعضای هیات علمی به مسائل غیر مقاله ای              |
| ۱۲   | به حاشیه رفتن رسالتهای و راهبردهای اصلی دانشگاه ها  |
| ۱۳   | نگاه غلط سیاست گذاران به منابع تولید و مباحث غیراولویت دار                                |
| ۱۴   | ضعف انتقال نتایج و تحقیقات دانشگاهی برای حل مشکلات بخش اجرایی و کشاورزان                  |
| ۱۵   | استفاده اندک از زمینهای کشاورزی در آموزش و محدودیتهای مکانی و زمانی در آموزش مهارتی       |
| ۱۶   | حاکم شدن معیارهای بنگاه اقتصادی در جذب دانشجویان در دانشگاه ها                            |
| ۱۷   | فقدان آمار و اطلاعات معتبر  |
| ۱۸   | ضعف آمایش در پذیرش دانشجویان در رشته ها و مقاطع تحصیلی                                    |
| ۱۹   | وابسته بودن آموزش ها به ترم های دانشگاهی  |
| ۲۰   | ضعف قوانین بخش های دولتی در تعریف شغل های مرتبط با کشاورزی جهت اشتغال زایی فارغ التحصیلان |
| ۲۱   | ضعف قوانین در تعریف شغل های مربوط مورد نیاز در بازار کار برای فارغ التحصیلان دانشگاهی     |
| ۲۲   | وابستگی زیاد دانشجویان به مباحث آموزشی دریافتی از سوی اساتید                              |
| ۲۳   | عدم انسجام در سرفصلها و محتوای درسی ارائه شده   |
| ۲۴   | محدودیت دانشگاه ها در استفاده از ظرفیت کشاورزان در غنی سازی آموزشها                       |
| ۲۵   | پایین بودن کیفیت و بهره وری در نظام آموزش عالی کشاورزی                                    |
| ۲۶   | رغبت پایین دانشجویان به دروس عملی و پایین بودن مهارتهای عملی آنها                         |
| ۲۷   | عدم گرایش و در نتیجه محدودیت گسترده تربیت تکنسین و کارشناس در دانشگاه ها                  |
| ۲۸   | سرخوردگی و ضعف اعتماد به نفس فارغ التحصیلان به دلیل عدم نیاز بازار کار                    |

|  |    |
|--|----|
| ارتباط و تعامل ضعیف دانشگاه ها با مراکز اجرایی، آموزشی و پژوهشی                          | ۲۹ |
| فرسودگی و روزآمد نبودن تجهیزات و امکانات آزمایشگاهی                                      | ۳۰ |
| عدم آشنایی و بکارگیری از متدها و رهیافت های جدید آموزشی در کلاس                          | ۳۱ |
| تعدد رشته های کشاورزی و بی توجهی به کشاورزی پایه و عمومی                                 | ۳۲ |
| کاهش سطح کیفی دانشجویان ورودی به رشته های کشاورزی  | ۳۳ |
| نامطلوب بودن معیارهای گزینش دانشجویان در مقاطع تحصیلی                                    | ۳۴ |
| ضعف قوانین و سیاست ها در پذیرش دانشجویان بر اساس تقاضامحوری                              | ۳۵ |
| بسترسازی ضعیف در جذب دانشجویان علاقه مند برای ورود به رشته های کشاورزی                   | ۳۶ |
| جذابیت اندک رشته های کشاورزی برای انتخاب توسط متقاضیان توانمند                           | ۳۷ |
| عقب ماندن محتوای آموزش عالی کشاورزی از پیشرفتهای فن آوری و تغییرات جهانی                 | ۳۸ |
| پشتیبانی مالی ناکافی از فعالیتهای آموزشی دانشجویان                                       | ۳۹ |
| ناتوانی و غافل ماندن دانشگاه ها از تربیت نیروی انسانی ماهر و کاردان به صورت صحیح         | ۴۰ |
| عدم وجود صلاحیت و توانایی مطلوب بازار کار در فارغ التحصیلان                              | ۴۱ |
| ضعف ارتباط دانشگاه و آموزش عالی کشاورزی با بدنه اجرایی کشور                              | ۴۲ |
| نگاه کارمندی و بالا رفتن سطح توقع دانش آموختگان در خصوص اشتغال                           | ۴۳ |
| ضعف اطلاعات و کاربردی نبودن دانش فارغ التحصیلان در بخش های علمی متناسب با نیاز بازار کار | ۴۴ |
| ضعف در امکانات و زیرساخت های لازم برای پذیرش دانشجویان کشاورزی                           | ۴۵ |
| ضعف زیرساخت ها و تجهیزات مورد نیاز آموزش بخش عملی و کارورزی                              | ۴۶ |
| پایین بودن کیفیت و اثربخشی روش های تدریس سنتی  | ۴۷ |
| عدم پایداری و موقعیت شغلی مناسب برای دانش آموختگان                                       | ۴۸ |
| شعاری بودن جهت گیری دانشگاه کارآفرین   | ۴۹ |
| عدم برنامه محوری و توانمندسازی آموزشی دانشجویان در حوزه کارآفرینی                        | ۵۰ |
| سازگار نبودن پژوهش های دانشگاهی در ارائه راهکار برای حل مسائل واقعی کشور                 | ۵۱ |
| تمرکز بر پژوهش و مغفول ماندن آموزش در رتبه بندی دانشگاه ها                               | ۵۲ |
| مصنوعی و پایین بودن کیفیت آموزش های دانشگاهی به عنوان ماموریت اصلی                       | ۵۳ |
| مفقوده ماندن حلقه بازار رسانی برای اتصال دانشجویان به مراکز رشد                          | ۵۴ |
| تمرکز بر واحدهای تئوری تعریف شده در مقاطع مختلف تحصیلی                                   | ۵۵ |
| موازی کاری دانشگاه ها در فرآیند دانش بنیان   | ۵۶ |
| اجاره واحدهای تولیدی و کشاورزی بر مبنای مناقصه و سودمحوری به جای آموزش محوری             | ۵۷ |

|  |    |
|--|----|
| هدایت پایان نامه های دانشجویی بر مبنای مقاله محوری و منافع اداری و شخصی            | ۵۸ |
| مسئله محور و کاربردی نبودن پژوهش ها و پایان نامه های دانشگاهی                      | ۵۹ |
| ضعف در بسترسازی و ادغام نهادهای اجرایی بر اساس ماموریت گرایی                       | ۶۰ |
| عدم انعطاف و پیوستگی واحدها و مطالب آموزشی   | ۶۱ |
| چشم انداز ضعیف اشتغال فارغ التحصیلان در داخل و خارج کشور                           | ۶۲ |
| مدرک گرایی در دانشجویان  | ۶۳ |
| ضعف مالی و امکانات و تجهیزات برای تحقیقات بخش کشاورزی                              | ۶۴ |
| ضعف مهارتی اعضای هیات علمی در تدریس دروس عملی                                      | ۶۵ |
| عدم تناسب بین تقاضای بازار کار با حجم دانش آموختگان بخش کشاورزی                    | ۶۶ |
| راه اندازی بی رویه رشته ها و دانشگاه های جدید کشاورزی بر اثر پیک جمعیتی            | ۶۷ |
| فقدان اختیارات تصمیم گیری آموزشی و پژوهشی در گروه ها و اعضای هیات علمی             | ۶۸ |
| ضعف کمی و کیفی بازدیدهای آموزشی  | ۶۹ |
| سستی مرجعیت علمی دانشگاه ها در بخش کشاورزی   | ۷۰ |
| عدم آشنایی و نگاه سلیقه ای و تک بعدی به رشته های کشاورزی در آموزش و پرورش و جامعه  | ۷۱ |
| ضعف هرم تخصصی در کارهای تحقیقاتی به ادامه تحصیل دانشجویان                          | ۷۲ |
| هزینه های بالا مواد آزمایشگاهی و فناوری های نو و وابستگی به بودجه های دولتی        | ۷۳ |
| فقدان ساختار سفارش حل مساله به دانشگاه ها از سوی کشاورزان                          | ۷۴ |
| شعارمحوری و کپی برداری در حرکت به سوی دانشگاه کارآفرین                             | ۷۵ |
| ضعف سیستم اداری دانشگاه ها و عملکرد سلیقه ای اعضای هیات علمی                       | ۷۶ |
| ضعف مشارکت و کارگروهی در بین اساتید و دانشجویان                                    | ۷۷ |
| ناتوانی در ایجاد کارگاه های مهارت آموزی برای بخش های آموزشی در دانشگاه ها          | ۷۸ |
| ضعف مفاهیم و منابع آموزشی متناسب با نیاز فراگیران به شکل تخصصی نه صرفا ترجمه خارجی | ۷۹ |
| متفاوت بودن تیپ مشکلات نظام آموزشی عالی در دهه های مختلف                           | ۸۰ |
| تربیت دانشجویان و مهندسين ناکارآمد در دانشگاه های غیرمعتبر                         | ۸۱ |
| عافیت طلبی اعضای هیات علمی   | ۸۲ |

مقررات، زیربنایی و تکنولوژی طبقه بندی گردید. روابط بین مشکلات فوق در شکل ۱ آورده شده است. همچنین به دلیل این که هنگام کار با داده‌ها، روابط میان رویدادها چندان آشکار نیست در اختیار داشتن طرحی

در مرحله کدگذاری انتخابی مشکلات نظام آموزش عالی کشاورزی در هفت دسته شامل موانع اقتصادی، آموزشی-پژوهشی، زمانی-مکانی، ساختاری، قوانین-

نیازسنجی و بیش از ظرفیت است و معیارهای مشخص و ثابت در پذیرش دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی وجود ندارد. پذیرش دانشجو باید بر اساس سه معیار تقاضای جامعه، بازارکار و تحلیل هزینه-فایده صورت بگیرد اما بدون نیازسنجی به پذیرش دانشجو اقدام می-شود و نتیجه آن تعدد دانش‌آموختگان کشاورزی بیکار می‌باشد. همچنین ضعف آمایش در پذیرش دانشجویان در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی، نامطلوب بودن معیارهای گزینش دانشجویان در مقاطع تحصیلی، حاکم شدن معیارهای بنگاه اقتصادی در جذب دانشجو در دانشگاه‌ها، راه اندازی بی‌رویه رشته‌ها و دانشگاه‌های جدید کشاورزی بر اثر پیک جمعیتی، تعدد رشته‌های کشاورزی و بی‌توجهی به کشاورزی پایه و عمومی باعث بی‌انگیزگی دانشجویان نسبت به درس و آینده شغلی از دیگر مواردی است که باعث پایین بودن بهره-وری آموزش عالی کشاورزی است. از نظر هیأت علمی شرایط مناسب برای استفاده از روش‌های جدید تدریس وجود ندارد به گونه‌ای که دانشجویان از روش‌های فعال و مشارکتی استقبال نمی‌کنند و استفاده از این روش‌ها نیازمند در اختیار داشتن زمان کافی است در صورتی که مدرس چنین زمانی را در اختیار ندارند. از سویی، بسیاری از مدرسان با چنین روش-هایی و اهمیت آن‌ها، آشنایی ندارند. از دیگر سو، بی-انگیزگی برخی از اساتید نسبت به فرآیند تدریس است. برخی از اعضای هیأت علمی، آموزش را امری ساده تلقی کرده و بیشتر وقت خود را معطوف به فعالیت‌های پژوهشی می‌کنند. همچنین بی‌انگیزگی دانشجویان کشاورزی به درس و آینده شغلی از دیگر عوامل بهره-

که با استفاده از آن سامان دادن به ارتباطات ایجاد شده میسر شود الزامی است. بنابراین از یک مدل پارادایمی برای برقراری ارتباط بین یک مقوله و مقولات فرعی آن، استفاده شد. این مدل با توجه به دیدگاه اشتراوس و کوربین شامل شرایط علی، پدیده مورد نظر، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و راهبردها است (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۷). مدل پارادایمی در شکل ۲ آورده شده است.

۱- موانع آموزشی-پژوهشی: با توجه به مدل مفهومی، عوامل آموزشی-پژوهشی به عنوان مهم‌ترین مقوله‌ای که پدیده مورد نظر یعنی کیفیت نظام آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد به عنوان مهم‌ترین مقوله در نظر گرفته شد. با توجه به اینکه یکی از مهم-ترین فرآیندهای نظام آموزش عالی، فرآیند مربوط به مقوله آموزشی-پژوهشی است در تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، یکی از مهم‌ترین علل پایین بودن کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی مشکلات مربوط به بخش آموزشی و پژوهشی می‌باشد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم توجه به گزینش مناسب دانشجویان، عدم وجود شرایط مناسب برای به کارگیری روش‌های جدید تدریس از نظر هیأت علمی، انگیزه پایین اساتید نسبت به آموزش، بی‌انگیزگی دانشجویان کشاورزی نسبت به درس و آینده شغلی. متأسفانه از ابتدای ورود دانشجویان با جذب نادرست و غیرعلمی شروع می-شود. صاحب‌نظران عنوان کردند در نظام آموزش عالی کشورهای دیگر دانشجو، استاد و دانشگاه را انتخاب می‌کند اما در نظام آموزشی ما رتبه‌ای که دانشجو می-آورد تعیین می‌کند در چه دانشگاهی تحصیل کند. از سویی پذیرش دانشجو در رشته‌های مختلف بدون

ه‌وری پایین در نظام آموزش عالی است. مشارکت-کنندگان معتقد بودند اولین متغیر در تدریس اثربخش، داشتن انگیزه در دانشجویان است اما متأسفانه بسیاری از دانشجویان، بی‌انگیزه هستند. در این رابطه هم صاحب‌نظران معتقد بودند که آموزش، جدی گرفته نمی‌شود و تأکید دانشگاه بر فعالیت‌های پژوهشی است. همچنین بیشتر امتیازات بر مبنای فعالیت‌های پژوهشی قرار داده می‌شود و عملاً آموزش در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. مشارکت‌کنندگان عنوان کردند در جامعه هنوز سیاست‌گزاران و تصمیم‌گیرندگان به نگاه واحدی نرسیده‌اند و روی یک مکتب فلسفی خاص، اجماع‌نظر ندارند و اگرچه فلسفه بر اساس مکتب اسلامی بیان می‌شود اما نوع رویکرد نسبت به آن متفاوت است و وقتی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌شود نمی‌توان گفت بر طبق کدام دیدگاه است.

**۲- موانع زیربنایی:** با توجه به این مدل مفهومی، عوامل زیربنایی از دیگر عوامل مهمی است که کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. موانع زیربنایی موانعی هستند که در زیربنای نظام آموزشی وجود داشته و بر اجرای اثربخش فعالیت‌های عمده و اساسی نظام آموزشی مانند برنامه‌ریزی آموزشی، عدم توجه و تأکید دانشگاه به اهمیت و نقش آموزش، عدم توجه به کارآفرینی به عنوان یکی از مأموریت‌های دانشگاه کشاورزی، به حاشیه رفتن رسالت‌ها و راهبردهای اصلی دانشگاه‌ها، شعاری بودن جهت‌گیری دانشگاه کارآفرین، ضعف در بسترسازی و ادغام نهادهای اجرایی بر اساس مأموریت‌گرایی اثر می‌گذارد. در این رابطه مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که آموزش، جدی گرفته نمی‌شود و تأکید دانشگاه بر فعالیت‌های پژوهشی است. همچنین بیشتر امتیازات بر مبنای فعالیت‌های پژوهشی قرار داده می‌شود و عملاً

آموزش در اولویت بعدی قرار دارد. در زمینه عدم توجه به کارآفرینی به عنوان یکی از مأموریت‌های دانشگاه کشاورزی می‌توان گفت؛ آموزش عالی کشاورزی، کارآفرینی را سرلوحه فعالیت‌هایش قرار نداده و به جای پرورش روحیه کارآفرینی و ریسک-پذیری، محتاط بودن را پرورش داده است. از طرفی با توجه به این‌که دانش‌آموختگان کشاورزی در حال حاضر به علت نداشتن تخصص و مهارت لازم بیکاری آن‌ها از میانگین بیکاری جامعه و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بالاتر است و اعتقاد بر این است که عدم ارائه آموزش‌های لازم و مناسب در آموزش عالی کشاورزی سبب این حجم از فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت و تخصص شده است. از دیگر عوامل مهم موانع زیربنایی به حاشیه رفتن رسالت‌ها و راهبردهای اصلی دانشگاه‌ها می‌باشد. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که رسالت و مأموریت اصلی دانشگاه‌ها تربیت تکنسین ماهر می‌باشد که دانشگاه‌ها به جای پرداختن به این مهم به مسائل غیرواقعی و صرفاً جذب دانشجو متمرکز می‌باشند. از دیگر عوامل مهم در پایین بودن کیفیت آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه مشارکت-کنندگان، شعاری بودن جهت‌گیری دانشگاه کارآفرین می‌باشد. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که فارغ‌التحصیلان آن توانایی ایجاد شغل را داشته باشند چرا که شکل-گیری و به وجود آمدن دانشگاه معلول نیاز جوامع بوده و وظیفه ذاتی آن‌ها ایجاد شغل برای فارغ‌التحصیلان نمی‌باشد و در واقع اساس و فلسفه وجودی دانشگاه تربیت تکنسین و مهندس می‌باشد. زمانی مجموعه‌ای می‌تواند موفق باشد که برآمده از نیازهای جامعه باشد و دانشگاه‌های کارآفرین در کشور ما متأسفانه همانند دیگر دانشگاه‌ها موجود کپی از دانشگاه‌های خارج از

کشور و بر اساس نیاز جامعه شکل نگرفته و بنابراین موفقیت چندانی در این زمینه به دست نیاورده. از جمله مشکلات دیگر زیربنایی آموزش عالی کشاورزی مشکل ضعف در بسترسازی و ادغام نهادهای اجرایی بر اساس ماموریت‌گرایی می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در این مورد نیز اشاره کردند در وضعیت فعلی ماموریت دانشگاه آموزش و ارگان‌ها هم صرفاً کارهای ماموریتی را انجام می‌دهند و اگر بین این دو ادغام صورت بگیرد ماموریت‌ها و آموزش‌ها نیز جدی‌تر خواهد شد یعنی اگر به دانشگاه‌ها ماموریتی سپرده شود آموزش‌های دانشگاهی نیز بر اساس ماموریت‌ها تخصصی‌تر که همان تامین امنیت غذایی وزارت جهاد کشاورزی می‌باشد خواهد شد.

**۳- موانع ساختاری (زیرساختی-تکنولوژی):** با توجه به مدل مفهومی ارائه شده یکی دیگر از عوامل موجود در شکل‌گیری مشکلات نظام آموزش عالی کشاورزی، اشاره به مسائلی دارد که در ساختار نظام آموزشی وجود داشته و مدیریت علمی گروه، دانشکده و دانشگاه را با مشکل مواجه می‌سازند. چنانچه این موانع برطرف گردند به بهبود و بهره‌وری نظام آموزش عالی کشاورزی کمک خواهند کرد. مشکلات مربوط به بخش‌های ساختاری می‌باشند که از جمله این موارد می‌توان به عدم انعطاف در ساختار دانشگاه، ناکارآمدی برنامه درسی، کمبود منابع لازم در دانشگاه و تعدد رشته‌های کشاورزی و بی‌اهمیتی به ساختار پژوهشی دانشگاه. به نظر مشارکت‌کنندگان ساختار دانشگاه متمرکز است و انعطاف لازم در آن‌ها وجود ندارد. ناکارآمدی برنامه درسی یکی از مشکلات ساختار نظام آموزش عالی کشاورزی است به طوری که

سرفصل‌های آموزشی، قدیمی هستند و مورد بازنگری و اصلاح قرار نمی‌گیرند. با توجه به اینکه یکی از پیش‌نیازهای برنامه درسی کارآمد وجود منابع لازم در دانشگاه‌هاست و اگر این منابع تامین و در اختیار دانشگاه قرار بگیرد بخشی از مسائل مربوط به برنامه درسی نیز برطرف خواهد شد. مشکل مهم دیگری که در ساختار نظام آموزشی مورد توافق مشارکت‌کنندگان بود تعدد رشته‌ها و بی‌اهمیتی و بها ندادن به کارهای تحقیقاتی می‌باشد. در بخش تحقیقاتی و در راس هرم باید مدیر یک باتجربه و صاحب ایده که توانایی مدیریت داشته باشد و از آن پایین‌تر تکنسین‌ها قرار بگیرند که قاعده هرم که تکنسین می‌باشد وجود ندارد

**۴- موانع اقتصادی:** از جمله موانع اقتصادی در نظام آموزش عالی کشاورزی می‌توان به عدم دسترسی به منابع مالی و تجهیزات کافی در دانشگاه کشاورزی، شرایط نامناسب اقتصادی برای دانشجویان و نخبگان دانشگاهی و شرایط سخت تسهیلات بانکی برای ایجاد اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی نام برد. به گفته مشارکت‌کنندگان یکی از مشکلات مهم دانشگاه کشاورزی عدم دسترسی مناسب به منابع مالی و تجهیزات کافی، زیرساخت و فناوری است. شرایط نامناسب اقتصادی، عدم اشتغال مناسب برای فارغ‌التحصیلان و عدم توجه کافی به نخبگان دانشگاهی از دیگر مسائلی بود که بیان شد و مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند اگر چنین مشکلاتی در نظام آموزشی حل نشود منجر به مهاجرت‌های نخبگانی خواهیم بود. همچنین از جمله مشکلات بیان شده شرایط سخت تسهیلات بانکی برای ایجاد اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی بود که به گفته مشارکت‌کنندگان بیشتر تسهیلات و منابع

مالی و همچنین بودجه‌های دولتی برای رشته‌های تاپ مثل رشته‌های پزشکی و نانو تعریف شده‌اند تا رشته‌های کشاورزی.

**۵- موانع اداری-مدیریتی و نهادی:** به گفته‌ی مشارکت‌کنندگان از جمله موانع اداری-مدیریتی موجود در نظام آموزش عالی کشاورزی ضعف انتقال نتایج و تحقیقات دانشگاهی برای حل مشکلات بخش اجرایی و کشاورزان، ارتباط و تعامل ضعیف دانشگاه‌ها با مراکز اجرایی، آموزشی و پژوهشی، ضعف ارتباط دانشگاه و آموزش عالی کشاورزی با بدنه اجرایی کشور بودند. همچنین از دیگر موانع نظام آموزش عالی کشاورزی در بخش مربوط به نبود قوانین مناسب اداری نیز مشارکت‌کنندگان ضعف قوانین بخش‌های دولتی در تعریف شغل‌های مرتبط با کشاورزی جهت اشتغال زایی فارغ‌التحصیلان، ضعف قوانین در تعریف شغل‌های مربوط مورد نیاز در بازار کار برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، ضعف قوانین و سیاست‌ها در پذیرش دانشجویان بر اساس تقاضامحوری می‌باشد. موانع اداری و مدیریتی از جمله بازدارنده‌هایی هستند که مشارکت‌کنندگان به آن باور داشتند. از نظر مشارکت‌کنندگان در برقراری ارتباطات قوی بین بخش‌های اجرایی و دانشگاه سازوکارهای منسجم و محکمی وجود ندارد یا دست‌کم در صورت وجود برنامه‌هایی در این زمینه در بعد اجرایی کردن آن‌ها دچار چالش است.

**۶- موانع فردی-مهارتی:** وجود موانع فردی-مهارتی از دیگر بازدارنده‌های مهم نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشد. عدم شناخت و ناامیدی دانشجویان ورودی به رشته‌های کشاورزی، رغبت پایین دانشجویان به دروس عملی و پایین بودن مهارت‌های عملی آنها، سرخوردگی و ضعف اعتماد به

نفس فارغ‌التحصیلان به دلیل عدم نیاز بازار کار، عدم وجود صلاحیت و توانایی مطلوب بازار کار در فارغ‌التحصیلان، ضعف اطلاعات و کاربردی نبودن دانش فارغ‌التحصیلان در بخش‌های علمی متناسب با نیاز بازار کار، ضعف مشارکت و کارگروهی در بین اساتید و دانشجویان در ارتباط با موانع فردی-مهارتی می‌باشند.

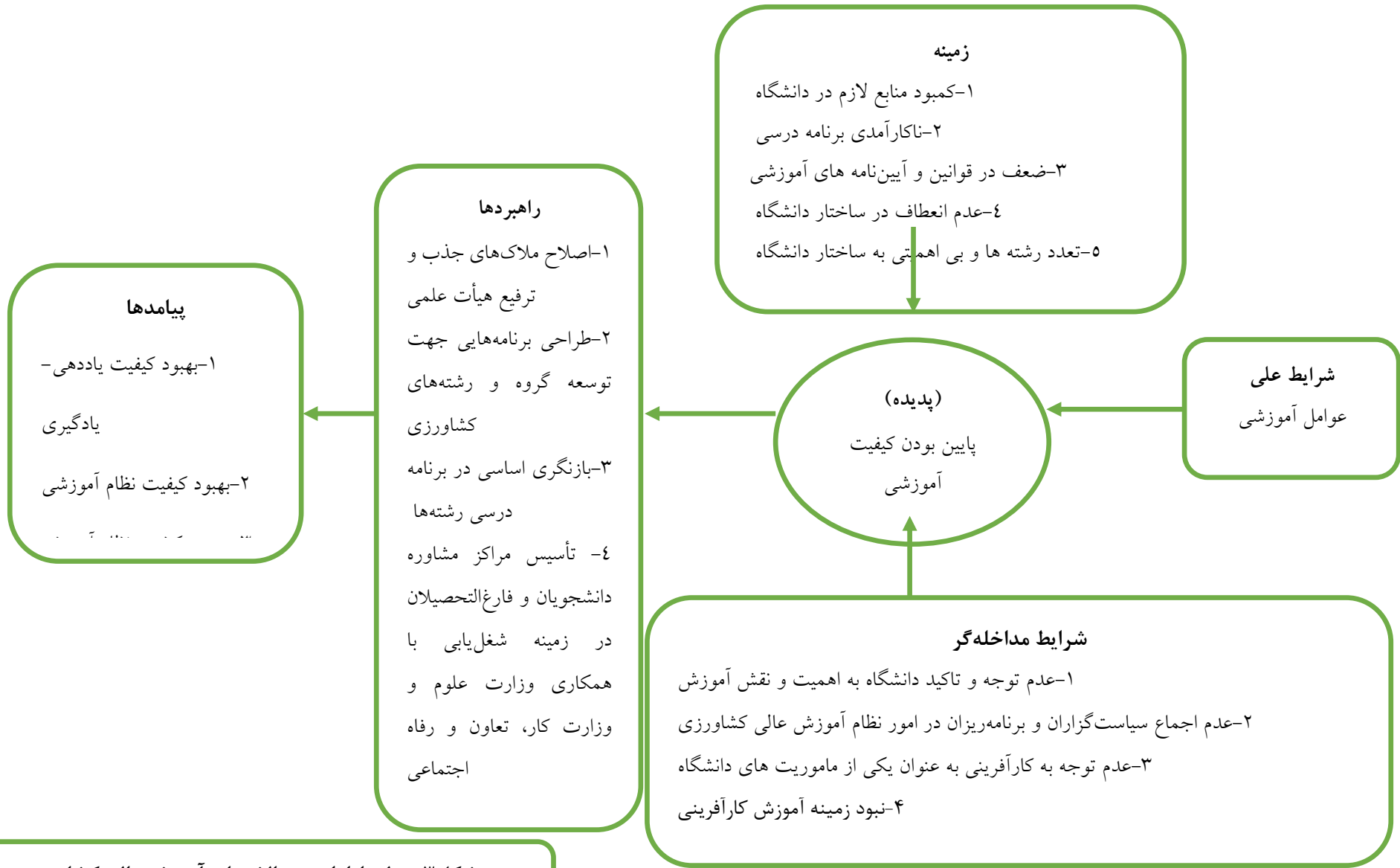
**۶- موانع فرهنگی-اجتماعی:** موانع فرهنگی-اجتماعی بازدارنده مهمی در نظام آموزش عالی کشاورزی به شمار می‌آید. چرا که هنوز آن‌طور که باید و شاید کارهای کشاورزی در جامعه شان و منزلت قابل قبولی ندارد. از نظر مشارکت‌کنندگان نگاه کارمندی و بالا رفتن سطح توقع دانش‌آموختگان در خصوص اشتغال، عدم پایداری و موقعیت شغلی مناسب برای دانش‌آموختگان، عدم آشنایی و نگاه سلیقه‌ای و تک بعدی به رشته‌های کشاورزی در آموزش و پرورش و جامعه و عافیت طلبی اعضای هیات علمی از موانع موجود بودند.

به دلیل این‌که هنگام کار با داده‌ها، روابط میان رویدادها چندان آشکار نیست در اختیار داشتن طرحی که با استفاده از آن سامان دادن به ارتباطات ایجاد شده میسر شود الزامی است. بنابراین از یک مدل مفومی برای برقراری ارتباط بین یک مقوله و خرده مقولات، استفاده شد. این مدل با توجه به دیدگاه اشتراوس و کوربین شامل شرایط علی، پدیده مورد نظر، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و راهبردها است (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۷).





شکل ۲: مدل سازی مشکلات نظام آموزش عالی کشاورزی



شکل ۳: مدل پارادایمی چالش‌های آموزش عالی کشاورزی

برنامه درسی، کمبود منابع لازم در دانشگاه، تعدد رشته ها و بی اهمیتی به ساختار دانشگاه.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج تحلیل داده های به دست آمده در این تحقیق و مدل حاصل از این نتایج (شکل ۲)، می توان گفت با توجه به این که دو وظیفه مهم و عمده دانشگاه ها تمرکز بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی است در این پژوهش موانع و مشکلات نظام آموزش عالی کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش از دیدگاه هیأت علمی، فارغ التحصیلان، کارآفرینان کشاورزی، مدیران جهاد کشاورزی حاکی از آن است عمده ترین مشکلات مورد بررسی که در نظام آموزش عالی تاثیرگذار است شامل مشکلات آموزشی-پژوهشی، زیربنایی، ساختاری (زیرساختی-تکنولوژی)، اقتصادی، فردی-مهارتی، اداری-مدیریتی (نهادی) و فرهنگی و اجتماعی می باشند. نتایج حاصل از مدل مفهومی نشان داد که یکی از مهم ترین چالش هایی که کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تاثیر قرار می دهد عوامل آموزشی-پژوهشی می باشند.

با توجه به این که مهم ترین فرآیند نظام آموزشی، فرآیند یاددهی-یادگیری است و اعضای هیأت علمی و فراگیران دو قطب آن را تشکیل می دهند موانع و مشکلاتی که در این فرآیند از دیدگاه مشارکت کنندگان وجود داشت و در کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی اختلال ایجاد می کرد مورد بررسی قرار گرفت. سوختانلو (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان داد که قابلیت های آموزشگران، شیوه های تدریس و آموزش،

شرایط علی، شرایطی است که بر مقوله محوری اثرگذار است. شروطی لازم ولی ناکافی جهت دستیابی به پیامدهای حاصل از به کارگیری راهبردها است. با توجه به مدل پارادایمی، عوامل آموزشی به عنوان مهم ترین مقوله ای که پدیده مورد مطالعه یعنی کیفیت نظام آموزشی و نظام آموزش عالی کشاورزی را تحت تاثیر قرار می دهد به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شد. از جمله عوامل علی تاثیرگذار می توان عوامل آموزشی اشاره کرد. شرایط مداخله گر، شرایط زمینه ای عمومی هستند که بر راهبرد تاثیر می گذارد. شرایط مداخله گر در این پژوهش، اشاره به مسائلی دارد که در زیربنای نظام آموزشی وجود داشته و بر اجرای اثربخش فعالیت های عمده و اساسی نظام آموزشی مانند برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی و تدریس علمی اثر می گذارد که شامل عدم توجه و تاکید دانشگاه به اهمیت و نقش آموزش است. از دیگر عوامل مداخله گر از دیدگاه مشارکت کنندگان، عدم توجه به کارآفرینی به عنوان یکی از مأموریت های دانشگاه کشاورزی بود. شرایط خاصی که بر راهبرد تاثیر می گذارد زمینه نامیده می شود. طبق مدل پارادایمی تا زمینه وجود نداشته باشد راهبردها آن طور که باید و شاید به نتیجه نمی رسند. شرایط زمینه ای در این پژوهش، اشاره به مسائلی دارد که در ساختار نظام آموزشی وجود داشته و مدیریت علمی گروه، دانشکده و دانشگاه را با مشکل مواجه می سازند چنانچه این موانع برداشته شود به بهبود کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی کمک خواهند کرد. ضعف در قوانین و آیین نامه های آموزشی، عدم انعطاف در ساختار دانشگاه، ناکارآمدی

از عوامل تأثیرگذار در نظام آموزش عالی کشاورزی کارآفرینانه می‌باشند. محسن‌پور کبریا و همکاران (۱۳۹۶) عوامل آموزشی را از متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت آموزشی دانستند. تحقیقات برادران و همکاران (۱۴۰۰)، استواری (۱۳۸۲)، برآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، کومار و کومار (۲۰۱۴) و کلارک و بوتون (۲۰۱۱) نیز مطرح شده است.

دسته دیگری از موانع، مربوط به موانع ساختاری (زیرساختی-تکنولوژی) است در نظام آموزش عالی کشاورزی است که بخشی از این موانع به نوعی ناشی از موانع اقتصادی می‌باشد. آنچه افراد مشارکت‌کننده از آن را به عنوان موانع ساختاری بیان کردند بیشتر مربوط به کمبود منابع لازم، ناکارآمدی برنامه درسی، ضعف در قوانین و آیین نامه‌های آموزشی، عدم انعطاف در ساختار دانشگاه و تعدد رشته‌ها در این فرآیند بوده است. مشکلات اقتصادی در نظام آموزش عالی کشاورزی بیش از دیگر رشته‌ها به آموزش عالی کشاورزی آسیب و ضرر وارد می‌کند به گونه‌ای که نبود امکانات، تسهیلات و منابع مالی لازم این بخش را با چالش جدی روبرو می‌کند. نتایج این تحقیق با پژوهش برادران و همکاران (۱۴۰۰)، موحد و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا بود.

وجود موانع فردی-مهارتی در نظام آموزش عالی کشاورزی از دیگر عوامل مهم بود. نتایج این تحقیق نشان داد که نظام آموزش عالی کشاورزی با چندین مانع فردی-مهارتی مانند عدم اعتماد به نفس و روحیه کاری، پایین بودن روحیه کار گروهی و مشارکتی، مهارت پایین دانش‌آموختگان و ضعف اطلاعات کاربردی در خصوص مهارت‌های کشاورزی رو به رو می‌باشد. البته هر چند اعتماد به نفس و روحیه کاری از ویژگی‌های مهم مهارتی به شمار می‌آیند ولی به نظر

می‌رسد یکی از دلایل پایین بودن این ویژگی در آموزش عالی کشاورزی نداشتن مهارت‌های عمومی و پایین بودن سطح آموخته‌های عملی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برای ورود به بازار کار باشد. زلالی و همکاران (۱۳۹۴)، آقاپور و همکاران (۱۳۹۳)، موحد (۱۳۹۶)، جکسون (۲۰۱۵)، اسکوینگتون و همکاران (۲۰۱۴) همگی به نوعی در پژوهش‌های خود به چالش‌های فردی و مهارتی اشاره داشته‌اند.

موانع اداری-مدیریتی از جمله موانعی هستند که مشارکت‌کنندگان این بخش به آن باور داشتند. از نظر آنان زمینه ارتباط و هماهنگی کافی بین سازمان‌ها وجود ندارد. قوانین مناسب و برنامه‌ریزی منسجمی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان نیز دیده نمی‌شود. وجود چالش‌های سازمانی و مدیریتی در تحقیقات سوانسو و همکاران (۲۰۰۷)، کومار و کومار (۲۰۱۴)، برادران و همکاران (۱۴۰۰)، موحد (۱۳۹۶) نیز بیان شده که تا حدودی با نتایج این بخش از تحقیق همخوانی دارد.

موانع فرهنگی-اجتماعی از دیگر موانع مهم در نظام آموزش عالی کشاورزی از نظر مشارکت‌کنندگان بود. با وجود تلاش‌ها و اقداماتی که رسانه‌ها و مراکز اطلاع-رسانی در باره فرهنگ‌سازی و اهمیت و منزلت فعالیت‌های کشاورزی انجام داده‌اند ولی هنوز آن‌طور که باید و شاید کشاورزی در جامعه شان و منزلت قابل قبولی ندارد. با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالای کشاورزی توجه به این بخش جزو الزامات می‌باشد چرا که بخش مهمی از چالش‌های نظام آموزش عالی کشاورزی مربوط به میزان و اهمیتی است که جامعه برای این بخش و دانش‌آموختگان آن قائل است. نتایج این بخش نیز تا حدودی با پژوهش‌های برآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، زلالی و همکاران (۱۳۹۴)، حیدری

۲- به منظور رونق بخشی به کسب و کارهای کشاورزی و افزایش مهارت های دانشجویان پیشنهاد می شود در برنامه ریزی آموزش های کشاورزی در نظام آموزش عالی بودجه بندی و اعتبارات کافی برای تأمین امکانات، تجهیزات از سوی مسئولان مربوطه در نظر گرفته شود. همچنین به مؤسسه ها و مراکز آموزش عالی که امکانات و شرایط مالی مناسبی برای ارائه آموزش های کشاورزی ندارند مجوز پذیرش دانشجو داده نشود.

۳- به منظور بالا بردن مهارت های فردی پیشنهاد می شود استادان و مسئولان آموزش عالی کشاورزی از راه

کلاس های درس، رسانه ها، همایش و گردهمایی های مختلف در زمینه افزایش روحیه کاری و انگیزه و اعتماد به نفس اقدام کنند. همچنین برنامه ها و فعالیت های عملیاتی در جهت مهارت افزایی دانش آموختگان دانشگاهی از راه سازمان های مربوطه از جمله سازمان آموزش فنی و حرفه ای، سازمان جهاد کشاورزی و نظام مهندسی، منابع طبیعی و دانشکده های کشاورزی به اجرا درآید.

۴- از جمله سازوکارهای عملیاتی و کاربردی در زمینه رفع موانع سازمانی و مدیریتی عبارتند از تأسیس مراکز مشاوره دانشجویان و فارغ التحصیلان در زمینه شغل- یابی با همکاری وزارت علوم و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، تشکیل و توسعه تشکلهای و تعاونی های دانشجویی و دانش آموختگی، برقراری ارتباطات دوطرفه و مستمر، برنامه ریزی شده و قابل اجرا بین سازمان های مرتبط با بخش کشاورزی.

و خاشعی (۱۳۹۵)، مک آردل و همکاران (۲۰۰۷)، هالستن و همکاران (۲۰۱۷) هم راستا می باشد.

دسته دیگری از موانع، مربوط به موانع زیربنایی در نظام آموزش عالی کشاورزی است که بر اجرای اثربخش فعالیت های عمده و اساسی نظام آموزشی اثر می گذارد. نتایج این تحقیق با پژوهش های برادران و همکاران (۱۴۰۰) هم راستا می باشد.

### پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق و چالش های شناسایی شده پیش روی نظام آموزش عالی کشاورزی پیشنهاد می شود:

۱- با توجه به این که هیأت علمی عنصر مهمی در نظام آموزشی بوده و نقش حیاتی در کیفیت تدریس و نهایتاً کیفیت آموزش عالی کشاورزی ایفا می نماید لذا به منظور برطرف کردن چالش ها می توان راهکارهایی از آشنایی با روش های تدریس فعال و استفاده از روش های تدریس مشارکتی مانند روش تدریس حل مسئله، مطالعه موردی، کارگروهی و ... اتخاذ کرد. همچنین با توجه به اهمیت این مؤلفه ها در آموزش عالی کشاورزی، به منظور حصول نظام به اهداف کلان و چشم انداز خود بایستی اصلاح و بازبینی در آن بر اساس شاخص هایی که دارای اهمیت و اولویت هستند مورد توجه قرار گیرد. همچنین لازم است سیاست گزاران و برنامه ریزان پیشنهاد می شود که در جهت تغییر نظام آموزشی به صورتی که فضای حاکم بر کلاس ها مشارکتی و همراه با همکاری باشد اقدام و محتوای کتاب ها به نحوی تنظیم گردد که بر حافظه و حفظ طوطی وار تأکید نشود و تفکر انتقادی به عنوان یک راهبرد یادگیری عمیق، تسهیل گردد.

۵- با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان بخش کشاورزی پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با ایجاد جذابیت و حمایت از کارآفرینان در زمینه ایجاد خوداشتغالی در بخش کشاورزی همت گمارند.

۶- پیشنهاداتی که می‌توان برای حل این موانع زیربنایی اتخاذ کرد این است که بایستی در نوع نگرش به دانشگاه تجدیدنظر شود. با توجه به جهانی‌سازی و گسترش فناوری‌های جدید، دانشجویان و دانش‌آموختگان، نیاز به مجهز شدن با دانش تکنیکی و مهارت‌های کارآفرینی دارند لذا برای کارآفرین شدن، دانشگاه باید مأموریت کارآفرینی را بپذیرد و هر فعالیتی را با نگاه کارآفرینانه، طراحی کرده و به انجام رساند. با برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای دانشجویان، برگزاری نشست‌های کارآفرینی با دعوت کارآفرینان مطرح و نمونه، ایجاد مراکز کارآفرینی در دانشگاه و دادن مشاوره‌های کارآفرینی می‌توان تا حدودی در جهت کارآفرین شدن دانشجویان کشاورزی گام برداشت. یافته‌های پژوهش از جانب مشارکت‌کنندگان نشان دادند همه عوامل دخیل در مدل مفهومی به نوعی از مشکلات نظام آموزشی در آموزش عالی کشاورزی محسوب می‌شوند. وجود چنین چالش‌هایی حاکی از آن است که نظام آموزش عالی کشاورزی نمی‌تواند به طور مطلوب به ایفای مأموریت‌های خود پردازد مگر این‌که به طور دائم کیفیت خود را مورد توجه قرار داده و مراتب ارتقای آن را فراهم آورد. لذا می‌توان با مدیریت علمی عناصر عمده و اساسی نظام آموزشی و رفع مشکلات گامی را در جهت بهبود کیفیت نظام آموزش عالی کشاورزی برداشت.

## منابع و مأخذ

- آقادات، سیدرسول و حاتمی، محمود و حکیمی‌نیا، بهزاد (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر نوآوری سازمانی در میان مدیران، مطالعه موردی مدیران ارشد مخابرات استان اصفهان، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۱۷۰-۱۲۸.
- آقاپور، شهلا و موحدمحمدی، سیدحمید و علم‌بیگی، امیر (۱۳۹۳)، نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۷۱(۱)، صص ۵۶-۴۱.
- آهنگچیان، محمدرضا (۱۳۹۲)، مدیریت کیفیت در مدارس شاهد و ایثارگر: بررسی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده کیفیت خدمات آموزشی و معرفی مدل مطلوب، پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۳۰-۲۱۷.
- اله‌ویسی، محمدادریس و ریحانی‌فر، بیان و میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، تحلیل نقاط قوت و ضعف بازدهی‌های علمی در نظام آموزش عالی کشاورزی، چهارمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران، تهران، ۱۳۹۶.
- استواری، مریم (۱۳۸۲)، فن‌آوری اطلاعات و مسئله اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در ایران، مجموعه مقالات همایش فن‌آوری اطلاعات در اشتغال، تهران، انتشارات علم و صنعت، صص ۳۰۳-۲۹۳.
- بهرامی، فضل‌الله و زمانی، غلامحسین (۱۳۸۰)، آموزش عالی، تنگناها و راهکارها، ماهنامه جهاد، شماره ۲۴۴ و ۲۴۵، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۲۷.
- برادران، مسعود و مسعودزاده، فاطمه و سواری، مسلم (۱۴۰۰)، واکاوی چالش‌های موجود در نظام آموزش عالی استان خوزستان (مطالعه موردی: مراکز آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی)، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، پیاپی ۵۳.
- برآبادی، سیدابوالقاسم و ملک‌محمدی، ایرج و اسدی، علی (۱۳۸۸)، تحلیل موانع آموزشی و اجتماعی-فرهنگی اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی، کار و جامعه، شماره ۱۰۹، صص ۱۰۰-۹۲.
- تقی‌بیگی، معصومه و برادران، مسعود و علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۹۹)، بررسی وضعیت موجود آموزش عالی کشاورزی استان خوزستان از منظر رویکرد فراشناختی، نشریه علمی فناوری آموزش، جلد ۱۴، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۹.
- حاجی‌هاشمی، زهرا و موحدی، رضا (۱۳۹۵)، آسیب-شناسی آموزش کشاورزی در دانشگاه پیام‌نور شهرستان شهرضا، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۷-۲، صص ۹۴۱-۹۲۹.
- حیدری، حسین و خاشعی، وحید (۱۳۹۵)، تحلیل رابطه بین ویژگی‌های شغلی و سازگاری شغلی دانش-آموختگان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۷۹(۱)، صص ۱۴۳-۱۲۷.
- حجازی، یوسف و مشهدی، مهدی (۱۳۸۶)، تاثیر آموزش عالی کشاورزی بر توسعه عمومی دانش-آموختگان، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۱، سال ۱۳۸۶، صص ۴۲-۲۷.
- جمشیدی‌فر، مصطفی و خرمی، شهروز و راحلی، حسین (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر روحیه

کشاورزی از کیفیت آموزشی، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۷۴-۵۱.

عبدالله‌زاده، غلامحسین و بارانی، حسین و باقری، عبدالرضا و نجفی‌نژاد، علی و سلطانی، افشین (۱۳۹۵)، مهم‌ترین مسائل آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در ایران، نشریه نامه آموزش عالی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۱.

عابدی، بهاره، برادران مسعود، خسروی پور بهمن، غنیان منصور (۱۳۹۲)، شناسایی دیدگاه اعضای هیات علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی استان خوزستان در خصوص مؤلفه‌های نظام برنامه‌ریزی درسی، جلد ۳، شماره ۴، صص ۹۱-۷۷.

کشاورزی، مهدی و یارمحمدیان، محمدحسین و نادى، محمدعلی (۱۳۹۷)، محتوای برنامه درسی مبتنی بر آینده پژوهی در آموزش عالی ایران: پژوهش کیفی، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۱۳۹-۱۱۹.

کریمی، صدیقه و نصر، احمدرضا و شریف، مصطفی (۱۳۹۲)، الزامات و چالش‌های طراحی برنامه درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه‌یادگیری، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، جلد ۴، شماره ۸، صص ۱۲۶-۸۹.

مقدس‌فریمانی، شهرام و زمانی، غلامحسین (۱۳۸۵)، رهیافت آموزشی گزیداری برای دوره کارشناسی کشاورزی، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۳، شماره ۱، صص ۲۶-۱۱.

موحدی، رضا و شیرخانی، مریم و طالبی، بهاره (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش از دیدگاه دانشجویان (مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا)، نامه آموزش عالی، دوره جدید، جلد ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۱۰-۷۹.

کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی تبریز، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۳)، صص ۵۳-۶۴.

رضائیان، مجید (۱۳۹۹)، چالش‌های بخش خصوصی آموزش عالی ایران، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۱، (پیاپی ۲۴)، صص ۳۷۸-۳۴۹.

زلالی، نعیمه و خسروی‌پور، بهمن و زارع، عادل (۱۳۹۴) تنگناها و چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۳، صص ۸۳-۷۳.

دانایی‌فرد، حسن و الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۸۴)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار.

سوختانلو، مجتبی (۱۳۹۶)، تحلیل اثربخشی نظام آموزش عالی کشاورزی بر پرورش قابلیت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی (مورد مطالعه، دانشگاه محقق اردبیلی)، راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، سال سوم، شماره ۶، صص ۴۴-۳۴، سال ۱۳۹۶.

سلیمانی، مجتبی و گیتی‌نما، سحر (۱۳۸۹)، متدلوزی مناسب مهندسی مجدد در مؤسسات آموزش عالی، مجله‌ی تدبیر، شماره‌ی ۲۱۶، صص ۴۱-۳۶.

سلیمی، قاسم و محمدی، مهدی و نثار، زینب (۱۳۹۶)، واکاوی تجارب اعضای هیات علمی در ارتباط با شایستگی‌ها و پویایی‌های تدریس و پژوهش در فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی: پژوهش کیفی، نشریه تدریس پژوهی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۰۹، تابستان ۱۳۹۶.

شریف‌زاده، ابوالقاسم و عبدالله‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۰)، بررسی رضایت دانشجویان



- Barro, R. J. & Lee, J.-W. (2013). A new data set of educational attainment in the world, 1950–2010. *Journal of Development Economics*, 104, 184–198.
- Boccanfuso, D.; Larouche, A. & Trandafir. (2015). Quality of higher education and the labor market in developing countries: Evidence from an education reform in Senegal, *Journal of World Development*, 74, 412–424.
- Bautista, I. (2016). Generic competences acquisition through classroom activities in firstyear agricultural engineering students. *International Journal of Educational Technology in Higher Education*. 13, 29-39.
- Cao, Q., Sarker, M. N. I., & Sun, J. (2019). Model of the influencing factors of the withdrawal from rural homesteads in China: Application of grounded theory method. *Land use policy*, 85, 285-289.
- Fitriani, S. and Muljono<sup>2</sup>, H. (2019). Beyond good governance: an ultimate key success for higher education quality. *Journal of Education, Teaching and Learning*, 4(1), 210-216.
- Hällsten, M., Edling, C., Rydgren, J. (2017). Social capital, friendship networks, and youth unemployment. *Social Science Research*, 61 (1): 234-250.
- Jackson, D. (2015). Employability skill development in work-integrated learning: Barriers and best practice. *Studies in Higher Education*, 40(2), 350-367.
- Heyneman, S. P. (2004). International education quality. *Economics of Education Review*, 23, 441-452.
- Kumar, A. and Kumar, V.A. (2014). Pedagogy in Higher Education of Agriculture. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 152: 89-93.
- Greiman, B. C. (2009). Transformational leadership research in agricultural education: A synthesis of the literature. *Journal of Agricultural Education*, 50 (4), 50-62.
- موحد، رضا (۱۳۹۶)، بازدارنده های اشتغال دانش-آموختگان کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۴۱، صص ۷۹-۹۵، تابستان ۱۳۹۶.
- محسن پورکبریا، حسین و فتحی واجارگاه، کوروش و عارفی، محبوبه و خراسانی، اباصلت (۱۳۹۶)، تبیین پیامدهای ارتقای برنامه ریزی درسی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، پژوهش در برنامه ریزی درسی، جلد ۱۴، شماره ۲، ۲۸ (پیاپی ۵۵)، صص ۶۶-۵۲.
- مهدی، گنجعلی (۱۳۹۳)، بررسی میزان تاثیر کاربرد روشهای علمی مدیریت بر جلوگیری از افت تحصیلی دانش آموزان، پایان نامه دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی گرایش مدیریت مالی، تابستان ۱۳۹۳.
- نجفی، حسین و جوادی، محمدعلی و نوروززاده، رضا (۱۳۹۳)، نگاهی به روش تحلیل هزینه-اثر بخشی در اقتصاد آموزش عالی از راه دور، مجله نامه آموزش عالی، سال ۷، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۳، صص ۷۷-۹۴.
- Alibaygi, A.H., Barani, S., Karamidehkordi, E., & Pouya, M. (2013). Employability determinants of senior agricultural students in Iran. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 15(4), 673–683.
- Acker, D.G. (2014). Improving the quality of higher education in agriculture globally in the 21st century: constraints and opportunities. *International agriculture and extension education*, 48-52
- Abdellah, G. A., Fahmitaher, Ismail, E. A. (2007). Enhancing agricultural education in Egypt through competitive mechanism, electronic. *Journal of Human resources for health*, 6 (7), 1-12.

- Identity and Human and Social Capital. *Journal of Vocational Behavior*, 71(2): 247–264.
- Moradgholi M. (Investigating the relationship between the application of metacognitive strategy and the performance of Zahedan high school students in mathematical problem solving). *Journal of Training Strategies*. 2010; 3(4): 37-54.
- Namdar, M., Pezeshki, R., & Sedighi, H. (2018). Application of Grounded Theory in Sustainable Environmental Behaviors of Farmers: an Exploratory Analyses. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development*, 48(4), 597-609.
- Noorossana, R., Saghaei, A., Shadalouie, F., & Samimi, Y. (2008). Customer satisfaction measurement to identify areas for improvement in higher education research services. *Quarterly journal of Research and Planning in Higher Education*, 14(3), 97–119.
- Rayj, E., Abyar, N. and Tarshizi, M. (2006). Study Efficiency of Short – Term Training Courses in Centers of Education Agricultural Jihad of Golestsn Province Conference of Education Agriculture, 10- the 23th Annual Conference of AIAEE, pp332-342, Polson, Montana.
- Yaghoubi, N. M., Kazemi, M., RahatDahmardeh, M. & Arhami, F. (2011). "Organizational Agility: A Way to Import the Advantageous Aspects of Competitive Market (An AnalyticalComparative Approach on Agility Models) ". *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 2 (12): 766-783.
- Zaaree, E & Zolali, N. (2006). Agricultural higher education (Problems, Challenges and Crises). *Conference of Education Agriculture 10-11 November 2006*.
- Lee, K.W., & Chung, M. (2015). Enhancing the link between higher education and employment. *International Journal of Educational Development*, 40(0), 19–27. doi:10.1016/j.ijedudev.2014.11.014.
- Liu, X., Zhou, J., Xue, Y., & Qian, S. (2019). Analysis of property management ecological behavior in China based on the grounded theory: *the influencing factors and the behavior model*. *Journal of Cleaner Production*.
- Idris, A. M. H. (2014). The Effect of Modern Scientific Management in the Development of Scientific Specializations in Saudi Universities Case Study: Emerging Saudi Universities "Majmaah University. *European journal of business and management*, 6 (35), 306-317.
- Mojarradi, G. & Karamidehkordi, E. (2016). Factors influencing practical training quality in Iranian agricultural higher education. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 38 (2), 11-23.
- McArdle, S.; Waters, L.; Briscoe, J. P. and Douglas, T. (2007). Employability during Unemployment: Adaptability, Career November. The Tarbiat Modares University, Tehran. Pp 485-500.
- Saadi, H. and Latifi, S. (2011). Pathology of agricultural education in Work- Science and Vocational Technical Centers of Hamedan Province. *Journal of Iranian economic research and agricultural development*, 42 (4):669-679.
- Skivington, K. Benzeval, M. Bond, L. (2014). Motivated for employment? A *qualitative study of benefit recipients*. *The Lancet*, 384 (2): S72-587.
- Shahbazi, E., & Alibaygi, A. (2006). The required competencies of agricultural graduates for entering job market. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 2(1), 15–24.
- Swanson, B.E.; Barrick, R.K.;and Samy M.M. (2007).Transforming Higher Agricultural Education In Egypt: Strategy, Approach And Results,In: *Proceedings of*